

تبارشناسی تجمع اخیر جریان چپ دانشگاه تهران چرایی مقابله چپ‌ها با «حجاب اجباری»

صفحه ۱۲

قرائت «نو شریعتی‌ها» از استاد

در زمانی شریعتی دین‌پژوه و دین‌پیرا و در موقعیتی دیگر شریعتی عدالت‌طلب «برساخته» شده است و همه این متضاد و متناقض‌ها باعث شده او در برخی از محافل به عنوان یک «شریعتی‌الاستیک» مطرح شود.

همین صفحه

دانشجویان

قیمت: ۵۰۰ تومان

شماره ۷۶ هفته سوم خرداد ماه ۹۸ نخستین نشریه سراسری دانشجویان



کالای سازی آموزش از «چپ» تا «راست»

«دانشجویان» برای اولین بار متن کامل مناظره محمدامین قانع‌راد حامی گفتمان چپ و وحید احمدی حامی گفتمان راست درباره کالایی سازی آموزش عالی منتشر می‌کند

صفحه ۱۲،۳

شکست انحصار بازار پزشکی و دندانپزشکی با افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان؟

صفحه ۱۴

وضعیت نامشخص حقوق دانشجو معلمان پس از استعفای آقای وزیر

صفحه ۱۴

«پرسش» مقابل «نیاوران»

جابه‌جایی یک نزاع فکری از دانشگاه به عرصه عمومی

صفحه ۱۳



سرمقاله

قرائت نو شریعتی‌ها از استاد

محمد رضا حیاتی
اسرودپیر

نزدیک شدن به اواخر خرداد همیشه یادآور چهره‌ای است که در دانشگاه بود ولی بیش از آنکه عرصه رسمی دانشگاهی بستر حرکت او باشد، افکار عمومی دانشگاه در اختیار او بود. بازگشت یک شخصیت تاریخی قطعاً به معنی بازگشت اندیشه‌ها و حالات اوست و این امری است که درباره مرحوم علی شریعتی رخ داده است. امروز در اواخر دهه نود نشانه‌های فراوانی برای اثبات این ادعا موجود است. اما مهم‌ترین آن‌ها نه موج گرامر ادب‌ت‌های دانشگاهی و روزه فزون برای اوست نه ساخت فیلم‌های مستند و فروش کتاب‌ها و تک جملات او بلکه مهم‌ترین نشانه و استدلال، ظهور پررنگ‌تر از گذشته جریان نو شریعتی به شکل کاملاً رسمی است. اما این جریان رانه تنها در جمعی که آن را مطرح کردند بلکه باید اتفاقاً بسیار فراتر از آن در میان چهره‌های علمی و آکادمیک جستجو کرد. چهره‌های فلسفی، جامعه‌شناسی و اقتصادی رجوع تازه‌ای به آثار و افکار مرحوم شریعتی آغاز کرده‌اند. اینک مجال توصیف جزئیات مطالعات مستقرا نی از درباره چهره‌هایی که به مرحوم شریعتی با رویکردی جدید پرداخته‌اند نیست. اما علل رجوع مجدد به مرحوم شریعتی، چگونگی رویکردی جدید مواجهه با روشن‌تری می‌کند. در چند سال اخیر نوعی تبیین از وضعیت ایران و جهان امروز در افکار عمومی جامعه ایرانی مؤثر و فراگیر شد، مبنی بر اینکه ما که تسلط نوعی سرمایه‌داری متأخر در ایران و جهان مواجه هستیم. (فارغ از بررسی صحت این ادعا) و طبیعتاً برای مقابله با اثرات و نتایج آن در ایران و منطقه و جهان نیازمند اندیشه‌ها و آثاری هستیم که ظرفیت لازم برای مقابله با این سرمایه‌داری متأخر را در اختیار ما بگذارد و چه گزینه‌ای بهتر از مرحوم علی شریعتی با سابقه روشنی که در مقابله با سرمایه‌داری از او سراغ داریم. این تبیین فارغ از صحت و سقم آن مهم‌ترین علت بازگشتن شریعتی به دانشگاه امروز ایران است. اما این بازگشت همچنان و به مانند دهه چهل و پنجاه به عرصه رسمی و اداری دانشگاه نیست (چنان که بیشتر سخنرانی‌های مرحوم شریعتی بیرون کرسی درسی ایشان بود) بلکه افکار عمومی اساتید دانشگاه را به خود مشغول کرده است. اما این تنها اثر بازگشت شریعتی به دانشگاه نیست. جوانان چه اساتید و چه دانشجویان اثر مهم‌تری از مرحوم شریعتی پذیرفته‌اند. آن هم روحیه دردمندی و عدالتخواهی مرحوم شریعتی است. روحیه‌ای که با توجه به شرایط جدید اقتصادی و احساس تبعیض به وجود آمده بستر رشد مناسبی یافته است. و ما هر روز شاهد جوانان بیشتری هستیم که با مشی اعتراضی پر شور و حرارت مرحوم شریعتی وارد میدان شده و فریاد عدالت سرمی دهند. البته این موضوع به صورت عینی نیز قابل دریافت است، طیف چپ طرفدار شریعتی، سال‌هاست که در هر برهه‌ای و با توجه به اقتضات روز جامعه و گفتمان‌های موجود، قرائتی جدید از شریعتی ارائه داده است. در مقطعی شریعتی در چهره یک مصلح اجتماعی و اصلاح‌گر جلوه داده شده و در مقطعی روایتی علمی و جامعه‌شناسانه از او ارائه شده است. در زمانی شریعتی دین‌پژوه و دین‌پیرا و در موقعیتی دیگر شریعتی عدالت‌طلب «برساخته» شده است و همه این متضاد و متناقض‌ها باعث شده او در برخی از محافل به عنوان یک «شریعتی‌الاستیک» مطرح شود. به هر صورت این پدیده‌ای جدید نیازمند بررسی‌های متنوعی از وجوه گوناگون است. هم به لحاظ علل این بازگشت و هم از لحاظ چگونگی این بازگشت لازم به توجه است. به خصوص از سوی جریان اصیل انقلاب اسلامی که روشن‌نماید آیا این تبیین را در مورد شرایط جهان، منطقه و ایران می‌پذیرد و علل بروز حوادث و معضلات را ناشی از غلبه نوعی سرمایه‌داری متأخر می‌داند؟ اگر این گونه است افکار مرحوم شریعتی ظرفیت مناسبی برای این مقابله می‌باشد؟ یا گزینه‌های دیگری نیز موجود است؟ و نسبت این ظرفیت (اندیشه مرحوم شریعتی) با اندیشه‌های اصیل انقلاب اسلامی مانند بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و شهید مطهری و دیگران به چه صورت است؟ نقاط اشتراک یا افتراق نیازمند رجوع و تبیین دوباره است. به نظر می‌رسد شریعتی پژوهی باید به یک کرسی فکری دائمی در برنامه رسمی دانشگاه‌های کشور تبدیل گردد.

تأمل

ابعاد بنیادین جهت‌گیری فکری دانشگاه در ایران

میثم سفیدخوش
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

باید نقش دانشگاه را در جهان جدید بازشناسی کنیم و از زمانی که دانشگاه به صورت رسمی در اروپا شکل گرفت، یعنی از سده ۱۳ و باراندازی دانشگاه بولونیا و دانشگاه پاریس همواره این رکن از جامعه نقش مهمی در فرهنگ و تمدن اروپایی داشته است. در آن زمان ۳ گانه‌ای در غرب شکل گرفته بود تحت عنوان ۳ گانه خدا، دانشگاه و سیاست که ۳ گانه فوق‌العاده تأثیرگذاری هم بوده است. در آن برهه زمانی تصویری که از خداوند و یا امر دینی در جامعه اروپایی وجود دارد، وحدتی را رقم می‌زند که با وحدت سیاست و وحدت ایده دانشگاه مناسبت داشت و اگر این مثلث تأثیرگذار در فرهنگ اروپایی را از همان زمان پیگیری کنیم، می‌بینیم که تغییرات زیادی در این چارچوب رخ داده و عناصری اضافه و یا کم‌رنگ و پررنگ شده است. ولی هرگز دانشگاه نقش بنیادین خود را ایجاد مولفه‌های مختلف فرهنگ اروپایی و بعداً در کل دنیا از دست نداده است. به این تربیت دانشگاه رکن مهمی در این چارچوب زندگی اجتماعی جدید داشته، ولی نمی‌توان گفت که کلیت جهان جدید مستقیماً فقط ساخته دانشگاه به طور عام و ایده فلسفی دانشگاه به طور خاص است؛ چرا که باید حد ایده فلسفی دانشگاه را بدانیم چرا که این مسئله بسیار تأثیرگذاری است ولی قطعاً تنها عامل نخواهد بود. تا پیش از آغاز نیمه دوم سده ۱۸ دانشگاه‌ها در اروپا جای بسیار مهمی برای وجود دارد که در تاملات ایرانیان دانشگاه جدید مغفول مانده و این غفلت، غفلت از لایه فلسفی و نظری و یا ایده‌های دانشگاه است. در دانشگاه تحصیل می‌کردند اما آنجا خانه اصلی شان نبود. به عبارت دیگر آن زمان دانشگاه جایی برای جستجوی حقیقت بنیادین نبود، ولی بعد از داد رخ تحولات شاهد کوچ بزرگ فیلسوفان، فیزیکدانان، شیمی‌دانان و دانشمندی که دنبال حقیقت بودند به دانشگاه بودیم. بزرگ‌ترین دانشمندان سده ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ مانند نیوتون در دانشگاه‌های آن زمان تحصیل کرده و گاهی نیز به صورت موقت تدریس داشتند، اما هیچ کدام عضو هیات علمی دانشگاه نبودند. دسته‌کم اگر تأسیس دانشگاه تهران را به عنوان مبدأ تأسیس دانشگاه‌های جدید در ایران به حساب آوریم، باید بگوییم که نزدیک به ۸۰ سال از تأسیس دانشگاه در کشورمان می‌گذرد و دانشگاه در طول این مدت موفقیت‌ها و شکست‌های زیادی را تجربه کرده است. زمانی که مشکلات و شکست‌های دانشگاه در ایران را پیگیری می‌کنیم، می‌توانیم از منظرهای مختلف پاسخ‌های متفاوتی به چرایی این اتفاق بدهیم. اما برداشت بنده این است که یک لایه بسیار بنیادین در دانشگاه پژوهی وجود دارد که در تاملات ایرانیان پژوهش‌های علمی جدید مغفول مانده و این غفلت، غفلت از لایه فلسفی و نظری و یا ایده‌های دانشگاه است. مادر تمام دوران آشنایی ما با این موضوع همیشه یک تاختیری نسبت به لایه نظری ابعاد مختلف وجود داشتیم. به عبارت دیگر زمانی که نظام تعلیم و تربیتی جدید، فناوری جدید و دولت مدرن را تأسیس کردیم، در موارد بسیار متعددی فرآیندهای واردات محصولات مدرن بر فرآیند تأمل درباره بنیادهای نظری این محصولات تقدم داشته و درباره دانشگاه نیز همین اتفاق رخ داده است. چندین دهه از تأسیس دانشگاه مدرن در ایران گذشته و ما متوجه نشده‌ایم که دانشگاه یک ساختمان ساده و سازمان‌مدیریتی ساده نیست، هر چند که همه اینها است، اما در کنار آن دانشگاه یک ایده بنیادین است که باید کنش‌های متعدد کنشگران متعدد را سامان می‌دهد، از سوی دیگر دانشگاه در اروپا همواره از پشتیبانی نظری فیلسوفان برخوردار بوده و این یک تحمل نیست که ما درباره دانشگاه پرسش‌های فلسفی مطرح کنیم و پاسخ‌های فلسفی نیز درباره سرشت دانشگاه ارائه دهیم، چرا که این کار یک تجربه تاریخی است که در اروپا طی شده است. در اروپا دانشگاه‌های جدید در آغاز به نحوی حوزه‌های علمیه مسیحی بودند و پیشوایان مذهبی مسیحیان تلقی می‌شد، ولی از سده ۱۶ سیاست دانشگاه را در بر گرفت که ایده دانشگاه از خدمت‌گذاری به اهداف الهیات به خدمت‌گذاری به دولت-ملت‌ها تغییر جهت داد و دانشگاه‌هایی نیز در این زمینه شکل گرفت و قرار بود در آنجا دانش‌هایی را پیگیری کنند که خیر جمعی فوری از آنها حاصل شود، ولی از ابتدای سده ۱۹ ایده رسمی جستجوی حقیقت در دانشگاه‌های اروپایی تحقق جهانی شد. در همان سده یک شعار مهم وجود داشت و آن هم اینکه حقیقت الهی است و امر الهی نیز یک بار و برای همیشه توسط دین عرضه شده و حالا وظیفه دانشگاهیان آموزش امر الهی موجود است و برنامه دانشگاه‌ها در اروپا این بود که تنها آموزش دهند و کتاب‌هایی از پیش تعریف شده وجود داشت و اساتید دوره‌های متعددی را می‌گذرانند که بتوانند این کتاب‌ها را آموزش دهند، به همین دلیل برنامه‌های پژوهشی از دانشگاه‌ها خارج می‌شدند، نه اینکه کلاً هیچ پژوهشی در دانشگاه‌ها صورت نمی‌گرفت ولی برنامه اصلی دانشگاه‌ها نبود. مادر کشورمان از گذشته تا امروز پیشینه زیادی درباره فعالیت‌های حوزه علمیه را داشته و داریم، ولی اتفاقی که در اروپا رخ داد، این بود که دانشگاه‌ها با تحولات زمانه آرام‌آرام تغییر کرده و همان نهاد‌های علمی تبدیل به دانشگاه‌های سبک جدید شدند. حال باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا بهتر نبود حوزه‌های علمیه به طور طبیعی و درونی آماده تحولات جدید می‌شدند؟ هر چند که این اتفاق به دو دلیل نیفتاد، دلیل اول عدم آمادگی حوزه‌های علمیه و دلیل دوم نیز مدرنیته و راداتی بوده است. به عبارت دیگر ما روشنفکرانی را داشتیم که به جای تلاش برای اصلاح وضعیت جاری در جامعه‌مان ترجیح دادند دانشگاه‌های اروپایی را وارد کنند و باید بگوییم که در این زمینه هم اهل سنت و هم اهل تجدد مقصر هستند که شاهد ایجاد مدرسه علمیه و مدرسه دانش‌های جدید باشیم. همچنین ما امروز در شرایط شکاف به سر می‌بریم و تلاش‌ها برای نزدیک شدن به این دو مدرسه نیز به شکست انجامیده است.

نگاه

چپ‌ها چه می‌خواهند؟

حسن ثابتی
فعال سابق دانشجویی

مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با اساتدان دانشگاه‌ها در ماه مبارک خاتم‌نای (مدظله) خطاب به اساتدان دانشگاه‌ها و دیگران خواستار مقابله فکری با نقاط چپ شدند. این تأکید قطعاً حکایت از نشانه‌هایی از درباره فعالیت این جریان در دانشگاه‌ها دارد. البته پیش از این نیز در چند مدت اخیر و به خصوص بعد از حوادث ۲۳ اردیبهشت‌ماه در دانشگاه تهران، رسانه‌های جناح‌های مختلف سیاسی به بازگشت چپ‌ها به دانشگاه‌ها پرداخته بودند. همه این موارد در کنار رواج نسبی بعضی شعارها و ادبیات خاص و شناخته شده این جریان در افکار عمومی دانشگاهی، ما را به معرفی بیشتر این جریان ترغیب کرد. اوایل دهه ۸۰ که فضای سیاسی کشور در حال تغییر بود، برداشتی از یک سخنرانی، تعبیر «ژاین اسلامی» را نقل محافل کرد. هر چند بعدها این برداشت به وسیله گوینده آن تکذیب شد، اما تحلیل‌ها و مباحث حول آن ادامه داشت. تلقی عمومی از این بحث پیگیری توسعه لیبرال به علاوه رعایت برخی ضوابط و شعائر اسلامی بود. برداشت من این است که امروز هم جریان چپ الگوی نمونه خود را کشورهای حوزه اسکندیناوی (که در فضای عمومی دانشگاه‌ها به گرایش‌های سوسیالیستی معروف است) به علاوه رعایت برخی ضوابط، معرفی کرده است. گرایش‌های سوسیالیستی بعد از فروپاشی شوروی (همان گونه که مقام معظم رهبری هم در دیدار اخیر خود اشاره کردند) در ایران با انزوای نسبی مواجه شد و امروز اگر این جریان قصد بازگشت دارد، طبیعتاً باید این خلع را با معرفی برنامه‌ها و الگوهای جدید دنبال کند. هر چند شاید این تعبیر هیچ وقت بدین گونه به وسیله این جریان به کار نرفته باشد اما به نظر من به بهترین شکل نمایان‌گر انتقاط مورد اشاره رهبری در همین دیدار مذکور، خواهد بود. مجال کافی برای بررسی همه ابعاد فکری این جریان نیست. بنابراین در اینجا قصد دارم صرفاً به برخی شعارهای مناقشه‌آمیز این جریان آن هم صرفاً در حوزه مسائل دانشگاه و آموزش عالی بپردازم. مهم‌ترین نکته این جریان درباره دانشگاه، ادعای حاکمیت مطلق نئولیبرالیسم بر دانشگاه‌های امروز در ایران است. این جریان شواهد مختلفی از جهت‌گیری سیاست‌های کلان آموزش عالی (از قبیل خصوصی‌سازی خدمات رفاهی، اخذ شهره... و...) به سوی نئولیبرالیسم به خصوص بعد از جنگ تحمیلی ارائه و نتیجه می‌گیرند که باید به نقش بزرگ دولت در تأمین مالی دانشگاه‌ها بپردازیم. اولاً مشهورترین چهره‌های نئولیبرال در کشور حاکمیت ایده‌های آن‌ها بر دانشگاه‌ها را نمی‌پذیرند. ثانیاً به نظر مثال‌های نقض بسیاری از عدم تطابق سیاست‌ها با نئولیبرالیسم قابل ذکر است و ثانیاً بر فرض صحت این ادعا نتیجه‌گیری اینکه باید به سوی سوسیالیسم رفت نیازمند ادله‌ای فراتر است و این دو قطبی انحصاری قائل‌تدریج‌های جدی است. - اداره دموکراتیک دانشگاه توسط دانشگاهیان از دیگر شعارهای زیبایی این جریان به نظر می‌رسد اما نام‌نمایندگان این جریان در قبال تبعات این تصمیم یعنی دست‌بندی و سیاسی شدن فضای درون دانشگاه و همچنین فاصله گرفتن دانشگاه از جامعه و تبدیل دانشگاه به برج عاج مباحث روشنفکری، پاسخ روشنی ارائه نمی‌کنند. - زمینه مباحث فرهنگی و مذهبی دانشگاه نیز هرگونه ضابطه‌ای در این خصوص را ابزار حاکمیت مافیایی نئولیبرال ادعایی برای سرکوب بدنه دانشگاهی تلقی کرده و با آن مخالفت دارند. اما توضیح شفاف‌تری مبنای این ادعا و راه‌حل خود ارائه نمی‌کنند به طور مثال در همین مورد اخیر مشخص نیست با اصل حجاب مخالفت وجود دارد یا با بر خورد فیزیکی و خشونت آمیز احتمالی در این زمینه. - استفاده مکرر از شعار عدالت در حالی که هیچ گروه منطقی‌ای مخالف عدالت نیست. مهم معنا و حدود عدالت است که مباحث نظری مفصلی درباره آن مطرح است. ضمن اینکه تلقی هر تفاوتی به تبعیض و معادل دانستن عدالت با تساوی محل تدریس‌های جدی است. به هر حال تکنیک این جریان تشویق عمومی به مقابله با طبقه حاکم پشت پرده و تصمیم‌گیر نهایی است. که در یک روز تاریخی نزدیک به وقوع خواهد پیوست و دو قطبی سازی طبقه عوام در مقابل حاکمان محقق می‌گردد. (شاید مشابه حوادث می ۱۹۶۸ فرانسه) باید دقت نمود همان گونه که مورد تأکید رهبری نیز بود این تقابل از جنس امنیتی و پلیسی نیست بلکه وظیفه دانشجویان است با فراهم نمودن زمینه دعوت از اساتدان جریان‌های مختلف در حلقه‌های کتابخوانی و کرسی‌های آزاداندیشی، مسیر شفاف شدن فضای فکری دانشگاه را مهیا کرده و مانع پنهان شدن جریان‌های التقاطی پشت‌مفاهیم دینی و قانونی شوند.

گزارش

تبارشناسی قبیع اخیر چرویان چپ دانشگاه تهران چرایی مقابله چپ‌ها با «حجاب اجباری»

امین خلیق دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ، شاهد تجمعی در اعتراض به «چپ» که آنها حجاب اجباری می‌نامیدند بود، تجمعی که توسط فراخوان طیف موسوم به «چپ» و با همراهی طیف «لیبرال» این دانشگاه همراه شد. البته سابقه این تشکل در سال گذشته نیز بازمی‌گردد و در آذرماه سال ۹۷ نیز تجمعی به همین سبک در دانشگاه تهران و بعضاً چند دانشگاه پایگاه اصلی این جریان برگزار شد؛ اما حالا نزدیک به یک ماه از این اتفاق گذشته‌است و این سؤال مطرح می‌شود که چرا در شرایط فعلی «چپ»‌های دانشگاه تهران به سراغ «مقابله با حجاب اجباری» رفتند؟ و آیا جنس این نوع شعارها در مسیر گفت‌مان «چپ» است؟ چند نکته در این مسیر قابل توجه است:

۱- افول و ظهور گفتارها: ورشکستگی و افول هر گفت‌مان مسلط، امکان بروز و ظهور خرده‌گفتارهایی که به‌نوعی با گفتار مسلط غیریت‌دارند را محقق می‌کند. در فضای کنونی کشور و پس از گذشت ۶ سال از روی کار آمدن دولتی با مشی نولیبرال و شکست ایده اصلی‌اش، «توسعه‌برون‌زای اقتدارگرا از طریق سیاست خارجه تعامل‌گرا، یا همان توسعه‌از طریق اتصال ایران به کشورهای مرکز اقتصاد جهانی، فضا برای آغاز نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی فراهم شد. جنبش‌های اعتراضی نسبت به مسائل به‌وجودآمده معیشتی برای اقشار ضعیف جامعه ازجمله مسائل مربوط به کارگران، معلمان، کامیون‌داران، مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، مخاطرات محیط‌زبستی و…، صحنه‌رایی را ظهور خرده‌گفتارهای بدیل و رقیب گفت‌مان دولت بازدم و دوادزم مهیا کرد. ظهور جنبش‌های عدالتخواهی مبارزه با فساد، پدیده چپ اسلامی، حرکت چپ نو و موارد مشابه دیگر را هم باید درنتیجه وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از افول گفت‌مان نئولیبرال دانست. (۱)

۲- گفتار چپ‌نو: سامان برخی از خرده‌گفتارهای نوظهور، متکی بر پیش‌توانه نظری روشنی است، اما برخی از این خرده‌گفتا را هم بدون اتکا به مشرب نظری مشخصی پا در عرصه عمل یا همان بازسازی، سازماندهی و بازنمایی می‌گذارند. ازجمله خرده‌گفتارهای متکی به پیش‌توانه تئوریک، گفتار موسوم به «چپ نو» است که متکی به مباحث معرفتی شکل گرفته در اروپای پس از جنگ جهانی دوم در نقد نظام سرمایه‌داری، با تلاش‌هایی که عمدتاً از طریق ترجمه آثار اندیشمندان این حوزه شکل گرفته در ایران بازتولید شده‌است؛ اندیشمندانی چون آئن بدیو، اسلادی ژریگ، ژاک لکان، ژیل دلوز، جورجو آگامبن، آنتونیو گرامشی و دیگران. (۲)

۳- تولد سرمایه‌داری اسلامی: هم‌زمان با روی کارآمدن دولت موسوم به سازندگی و آغاز پروژه‌استحاله در اوایل دهه هفتاد، شاهد شکل‌گیری طبقه‌مرفهی از انقلابیون سابق بودیم که بعدها به‌یقه سفیدها مشهور شدند. طبقه‌ای که دارای دویوزگی مهم بودند: اول اینکه دارای سابقه انقلابی‌گری بودند و هر رفتار خود را بر پایه این سابقه توجیه می‌کردند. از سوی دیگر این طبقه در روند استحاله، باور خود به بسیاری از آرمان‌های انقلابی را از دست داده بودند و در پیوند با جریان سرمایه‌دار وابسته به طاووت که به کشور بازگشته بودند، خود به سرمایه‌دارانی تبدیل شدند که بخش بزرگی از ساختارهای حاکمیتی کشور را نیز تصاحب کرده بودند. می‌توان این طبقه را طبقه سرمایه‌دار اسلامی دانست که این اواخر و با ظهور شبکه‌های اجتماعی نمودهای آن همچون ساخت‌مان‌های لوکس، اوتومبیل‌های میلیاردری، تصاحب غیرقانونی صنایع ملی کشور به نام خصوصی‌سازی و مانور اشرافیت زیر سایه حجاب و…، به شدت در مقابل دیدگان عموم قرار گرفته است. همچنین پیوند این طبقه با سیاستمداران و حاکمان جمهوری اسلامی سبب شده‌تا عملاً به‌عنوان نتیجه عملکرد این نظام مطرح شوند.

۴- غلبه نگاه لیبرالیستی در دوره اصلاحات و دولت مهرورزی در حوزه اقتصاد: این مسئله نیز به این عنوان گسترده کمک‌شایانی کرد. کوچ این طبقه به‌بخش خصوصی خودساخته (در قالب تشکیل بانک و صنایع خصوصی‌سازی شده) در دولت خامنه‌ی و پیوند آن با منابع عمومی دولتی در دولت احمدی‌نژاد باعث شده تا عملاً تمام دولت‌های بعد از جنگ به سهم خود در فریه ساختن یقه‌سفیدها نقش موثری داشته باشند. روی کار آمدن دولت روحانی اما سیر تبدیل لیبرالیسم به نئولیبرالیسم را شدت بخشید. عمیق‌تر شدن فاصله دولت و مردم، غلبه نگاه اقتصادی بر تمام امور حاکمیتی، پیوند گسترده در نظام جهانی طبقه‌پندی شده با کشورها تحت عنوان بستن یا ک‌خدا و عبور از منابع هویت‌ساز انقلابی نمودهای دولت روحانی هستند. این سیر حرکت از لیبرالیسم به نئولیبرالیسم طی سه دهه گذشته اما مخالفان سرخستی نیز داشته که گاه توانسته‌اند اثرگذار باشند و گاه خود دچار استحاله شدند.

۵- جریان نوپدید سوسیالیستی دانشگاه تهران: جریان چپ فکری به صورت سنتی لانه در دانشگاه تهران دارد. جریانی که بعد از پیوند با اصلاح‌طلبان در دهه هفتاد از فاز فکری خارج شده بود و پا در میدان عمل گذاشته بود و عملاً جریان چپ نو را دیکال شکل بگیرد. اما روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و محدودیت فعالیت و همچنین فعالیت گسترده در فتنه ۸۸ سبب شد تا دوره فترت این جریان در دانشگاه‌های شاخص تهران آغاز شود. تشکیلات بهم ریخته، اختلاف نظر گسترده و فعالیت در قالب گروه‌های تروریستی سبب شد تا مدت‌ها این جریان جنبه دانشجویی خود را از دست بدهد. شکست جریان چپ‌نودر دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر سبب شد تا بعد از یک‌دوره ناکامی دوباره از سال ۱۳۹۶ این جریان در قالب فعالیت‌سنفی و پیگیری حقوق و مطالبات دانشجویی به عرصه بازگردد. ۶- نقش دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و اساتیدی همچون اباذری و آزاد امرکی که سال‌ها مبلغ سوسیالیسم بودند به عنوان رأس این جریان شناخته شده‌اند. این جریان علمی، بحران‌های فعال در جامعه را ناشی از دو عامل ناتوانی گفت‌مان انقلاب اسلامی در امر حکومت‌داری و نفوذ گسترده نئولیبرالیسم در ساختارهای حاکمیتی معرفی می‌کنند. اواخر سال گذشته بود که شاهد دعوی رسانه‌ای گسترده میان این جریان و افرادی چون جواد طباطبایی و روزنامه سازندگی بودیم که طرفین یکدیگر را به رادیکالیسم در اندیشه خود متهم کردند. اما در عرصه عمل سوسیالیسم نوین که به دنبال عدالت گسترده در جامعه است به تولد جریانی منجر شد که باید آن را چپ آمریکایی نو دانست. جریانی که با شعار «نان، کار، آزادی» و با راهبرد «اداره شورایی» به دنبال آغاز اعتراضات سراسری است. دراین میان نیز برخی از اعضای جناح رادیکال جنبه اصلاحات همانند «انجمن ترقی خواه» با آنها همراه شده‌اند. (۳)

۷- زیست اجتماعی چپ‌ها: این جریان سه مشخصه اصلی دارد: اول اینکه خود را لئینیست معرفی می‌کند. دوم بشدت سعی دارد خود را ساختار شکن و به اصطلاح آوانگارد در حوزه عدالتخواهی معرفی کند و سوم اینکه با شعار «نان، کار، اداره شورایی» پیگیری حقوق سنفی ومدنی اقشار مختلف مردم را راهبرد اصلی خود می‌داند. اما نگاهی به زیست اجتماعی این افراد در حوزه شخصی بیانگر ماهیت واقعی این جریان است. از بوت ۲ میلیونی بگیرد تا کلاه ۶۰ هزار تومانی. این افراد بشدت سعی دارند خود را شبیه چریک‌های آمریکای لاتین نشان دهند. در حالیکه حتی از ابتدایی‌ترین رفتار چریکی مارکسیستی یعنی دوری از مظاهر بورژوایی، سربازی می‌زنند. این یعنی همان چپ آمریکایی که نه‌توان تحمل سختی زندگی غالب مردم را دارد و نه توان دل‌کنند از زندگی لاکچری‌ها برای خیلی‌ها یک آرزو دست نیافتنی است. این رفتار را مقایسه کنید با جریان مطالبه‌گر انقلابی که علیرغم همه فشارها در میان کارگران اهوازی حضور یافتند و صدای این اقشار را در رسانه‌ها منعکس کردند.

منابع:

۱- دست چپ در آستین راست اپوزیسیون/فرهنگتنگان /شماره ۲۷۸۵

۲- همان

۳- خرننامه دانشجویان ایران /سعید درویشی/ شماره ۳۰۶۹۵۶

دانشجویان

■ شماره ۷۶ ■ هفته سوم خرداد ماه ۹۸

نخستین نشریه سراسری دانشجویان

کالای‌سازی آموزش از «چپ»

«دانشجویان» برای اولین بار متن کامل مناظره محمدامین قانع‌ی‌راد حامی گفت‌مان چپ و وحید احمدی حامی گفت‌مان چپ را در اختیار شما قرار دادیم

دلار مسود می‌برد، قطعاً در این زمینه باید علوم انسانی ورود داشته باشد تا بر اساس آن بتوانیم فضا را به گونه‌ای تغییر دهیم که هم زائر رفتار دینی و مذهبی‌اش را داشته باشد و هم بحث این سود از بین برود. در کنار این مسائل، باید به این موضوع هم توجه ویژه شود که فناوری تنها مختص یک رشته خاص نیست، بلکه یک مجموعه فرآیند است که از پیوند علوم مختلف با یکدیگر ایجاد می‌شود. به همین دلیل است که می‌گوییم حوزه علوم انسانی هم باید در بحث زائر و رفتارهای مربوط به آن ورود داشته باشد تا در کنار مسائلی مانند معماری، مهندسی نوپردازی، مسائل رفاهی، آی‌تی و … مربوط به زائر بتوان فضای رفتاری او را نیز تغییر داد. ما امروز ۶ مرکز رشد علوم انسانی را در کشور داریم که ۲ مرکز در مشهد دایر هستند، البته در قم نیز شرکت‌هایی را داریم و تولید نرم افزار روانشناسی صنعتی، تولید بسته‌های خلاقیت و … جزو وظیفه علوم انسانی هم است که قطعاً برای به سرانجام رسیدن آن باید سایر علوم نیز پای کار بیایند.

تجاری‌سازی نفی بنیاد علم نیست

علم ابعاد مختلفی دارد و اگر صرفاً بگوییم که می‌خواهیم تنها به بحث تجاری‌سازی بپردازیم و دیگر بحث‌های بنیادین را رها کنیم، مشکل ساز می‌شود. یکی از نکات مهم هم اینکه فناوری و تجاری‌سازی خروجی علم را نشانه گرفته و معنی‌اش نفی بنیاد علم نیست. در دانشگاه استنفورد و هزار شرکت وجود دارد ولی این شرکت‌ها باعث نشده‌اند که دانشگاه استنفورد دچار افت کاری شده و جایگاهش را از دست بدهد. گاهی مطرح می‌شود که آیا دانشگاه باید به سمت ایجاد شرکت‌ها برود و رسالت دانشگاه ایجاد شرکت است یا خیر؟ همچنین همیشه این سؤال مطرح بوده که دانشگاه باید افرادی را تربیت کنند که قابلیت ایجاد شغل داشته باشد؟ قطعاً باید بین این دو سؤال تفکیک قائل شویم. در علوم انسانی نیز همین مسئله وجود دارد آیا ما فقط می‌خواهیم افراد نقاد را تولید کنیم و یا اینکه افرادی را که می‌توانند حرف‌های نقادی را در قالب ایجاد ساختار و نظام پایدار در بیآورند، تربیت کنیم؟ یکی از مشکلات مادر حوزه پژوهش بحث اخلاق علمی و پژوهشی است که قطعاً فعالان حوزه علوم انسانی باید در این زمینه ورود داشته باشند و قطعاً علوم انسانی در قالب سایر مجموعه‌های علمی می‌تواند هویت داشته باشد. آیین‌نامه شورای توسعه پژوهش و فناوری علوم انسانی را به همین دلیل ابلاغ کردیم که این آیین‌نامه عظیم علمی متدش قابل رشد است یا خیر؟ از این رو با ابلاغ این آیین‌نامه تلاش می‌کنیم تا با کمک همین افراد متد را تغییر دهیم و روشی را دنبال کنیم که هم بتواند حضور موثری را در صحنه توسعه علم داشته باشد و تلاش شده تا هیچ تداخلی در حوزه‌های دیگر این علوم نداشته باشیم.

قانع‌ی‌راد: علوم انسانی را بین دنیا و آخرت تقسیم می‌کنند!

محمدامین قانع‌ی‌راد، عضو مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران: در علوم انسانی مباحث مفهومی بسیار اهمیت دارد و اینجا تجاری‌سازی به عنوان یک مفهوم با این موضوع هیچ علوم انسانی باید مسئله محور باشد، متفاوت است. به عبارت دیگر هیچ یک از اهالی علوم انسانی با این مسئله که این علم باید مسئله محور باشد، مشکلی ندارند اما تفاوت بین دو گروه از افراد است. یک عده افرادی که دانشگاهی هستند و مسائل خود را از موضوعات پژوهشی دانشگاه‌ها می‌گیرند و به تبع کمتر به نیازهای جامعه توجه دارند، عده‌ای دیگر نیز

تجاری‌سازی علوم انسانی پایین آوردن‌شان علم است؛ در حالی که اصلاً به معنی کاهش مبانی علم نیست، بلکه می‌خواهیم با این کار در علوم انسانی جهت‌گیری داشته باشیم. خلاء که بعد از بیش از ۳۰ سال با آن روبه‌رو هستیم اینکه دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها وانجمن‌های علمی و… را داریم اما مشکل و سؤال اصلی این است که خروجی علم در کجا همگرا می‌شوند؟ علوم انسانی نیز مانند سایر علوم دیگر است ولی مشکلش این است که با سایر علوم پیوند نخورده است، در حالی که ریاضی با آی‌تی و… پیوند می‌خورد و خروجی آن را در زندگی می‌بینیم. منظور این است که هم خود علم و هم محصول علوم انسانی باید با سایر علوم پیوند بخورد. امروز در دنیا از نسل دانشگاه‌نگاه اول به سمت کارآفرینی و… حرکت می‌کنیم، کارآفرینی به منظور اینکه خروجی‌ها به حدی توانمند هستند که محصول آن یک شخص کارآفرین است. در حوزه علوم انسانی قطعاً می‌توانیم به تفکر محصول محور و یا خدماتی که بتواند در زندگی مردم اثرگذار باشد، برسیم. فلسفه و ریاضی هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، اما فلسفه در مفاهیم ورود می‌کند و می‌تواند در کنار سایر اجزای علمی نقش آفرینی داشته باشد. منظور از همگرا کردن علوم این است که بتوانیم به محصولی که نیازمندی را در جامعه رفع کند، برسیم. ما می‌گوییم خلاء همه علوم در کشور ما این است که اصلاً این احساس در آنها وجود دارد که باید نقشی در زندگی امروز داشته باشند یا خیر؟ مسئله دوم اینکه آیا روش توسعه‌شان همان روش سنتی و تحقیقات کنایخانه‌ای است و سومین سؤال، آیا حصارها خاص علوم همچنان می‌تواند باقی بماند؟ اصلاً می‌توانیم علوم انسانی را با توجه به آمیزه‌های آموزشی داشته باشیم یا خیر؟. بدر حالی که امروزه دیگر مرکز کنشی‌های قدیم را در علوم نداریم و مصداق این حرف نیز رشته‌های میان رشته‌ای هستند که با آمیخته شدن چند علوم با یکدیگر ایجاد شده‌اند. ما به یک رشته خاص هجوم نمی‌بریم بلکه می‌گوییم دایره علم چه خلاء‌ها و چه گرایش‌هایی دارد و این تنها مربوط به کشور ما هم نیست. ما در تولید علم در علوم انسانی آن هم با توجه به روش‌هایی که باید توسط آن در عرصه بین‌المللی حضور داریم، مشکل داریم. از ۱۱۲۰ مجله در کشور بیش از ۶۰ درصد آن مربوط به علوم انسانی است اما در حوزه تولید مقاله بین‌المللی و عرضه آن با مشکل روبه‌رو هستیم. مسئله دیگر اینکه ما علوم انسانی در حل مشکلات صنعت و جامعه نقش دارد یا خیر. علم دو جنبه دارد اولین جنبه بحث مبنایی که باید توسعه یابد و جنبه دیگر هم حوزه حل معضلات کشور است. ما با حضور خود اصحاب علوم انسانی در شورایی که برای تجاری‌سازی علوم انسانی تشکیل شده بود، عنوان کردیم که رویکرد درستی را باید در این علوم در پیش بگیریم تا از طریق آن بتوانیم رویکرد فعلی مان در حوزه پژوهش و فناوری را به سمت گره‌گشایی و حرکت به سمت ایجاد واقعیت‌هایی در جامعه و رفع مشکلات وارد تغییر دهیم.

پیوندی بین عرضه و تقاضا داشته باشیم

علوم انسانی با یکسری اعتقادات و مسائل رفتاری خود افراد و مسائل سنتی و اجتماعی گره می‌خورد که این مسائل ممکن است مشکلاتی را ایجاد کند؛ چرا که این مسئله باعث می‌شود تا فرد احساس کند اگر از آنها دل بکند، تفکرش ابزاری می‌شود، از این رو ما باید پیوندی بین عرضه و تقاضا داشته باشیم. درست است که دنیا در یک برهه زمانی دانشگاه‌هایی را داشته که تنها مسئله عرضه را دنبال می‌کردند، اما امروز شرایط متفاوت شده است. به طور مثال کشور چین تنها از حوزه سوغات زائران مشهد ۵۰۰ میلیارد

تاریخی:

عنوان: انقلاب ۱۹۶۸ فرانسه (نگرشی بر جنبش دانشجویی فرانسه)

موضوع: جنبش‌ها و وقایع ما فرانسه

نویسنده: پاتریک سیل و مورین مک کانویل

مترجم: حسین بخشنده

ناشر: سربای

چکیده: جنبش دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه، نوعی کلاسیک‌از جنبش دانشجویی است. این جنبش "در واقع نقد حکومت بورژوا، نفی حکومت مطلقه استبدادی، نفی و نقد توسعه و نوسازی آمرانه، اعتراض علیه وضعیت ناپسامان اجتماعی کشور. نفی الیگارش‌ی و خانواده سالاری در حکومت بود. قدرت و چالش با آن اصلی‌ترین محور انگیزاننده این جنبش بود.



فلسفی:

عنوان: می‌۶۸ در فرانسه

موضوع: فلسفه

نویسنده: ژیل دلوز، آلن بدیو، میشل لووی، ارنست مندل

مترجم: سمیرا رشید پور محمد‌مهدی اردبیلی

ناشر: رخ داد نو

چکیده: موضوع این کتاب، بررسی سیاست و حکومت

فرانسه در سال ۱۹۶۸ م. است. این کتاب، مشتمل بر

پنج مقاله و دو مصاحبه پیرامون سیاست‌های دولت

فرانسه در سال ۱۹۶۸ به‌صورت کلی و ماه میهمان سال

به‌طور اخص و نقش جنبش‌های دانشجویی در ضدیت

با نظام لیبرال سرمایه‌داری است.

یک انتخابات پرسروصدا، هر دو طرف ادعای تخلف دارند

انتخابات کمیته ناظر بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم هفته‌ی گذشته برگزار شد، انتخاباتی که علی‌رغم کم حاشیه بودن دوره‌های گذشته این دوره بنا به دلایلی با حساسیت زیادی همراه شد به طوری که فضای خبری دانشجویی را به این سمت فرو برد. در دور اول این انتخابات میلاذ مفاخری به‌عنوان نخستین عضو دانشجویی بدون حاشیه زیادی راهی این شورا شد اما با مساوی شدن دو نامزد دیگر و شمارش آراء حواشی زیادی حول خود به وجود آورد، حامیان محمدرضا محمدی (نامزد ائتلاف احیای عدالت و نجات) معتقد هستند در رأی‌گیری صورت گرفته تخلفی از طرف مقابل یعنی «طلوع آزادی» صورت گرفته و طرف مقابل نیز ادعای دیگری دارند. البته معاونت فرهنگی وزارت علوم نیز اخیراً در اطلاعیه درباره نتایج دور دوم رأی به تجدید انتخابات داده است. این حواشی هنوز نیز ادامه دارد.

ادعای امنیتی بودن فضای دانشگاه

یکی از خبرهای جنجالی هفته‌های اخیر، اظهارات چند رئیس درباره فضای امنیتی دانشگاه‌ها در حوزه کرسی‌های آزاداند است؛ رئیس دانشگاه تربیت مدرس در گفتگویی با تانکی دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها احساس امنیت بعد از آن ندارند، گفت: «در این زمینه با حساسیت‌های شدید مواج تا زمانی که این امنیت فراهم نشود کرسی‌های آزاداندیش جدی‌تر و وسیع‌تر در دانشگاه‌ها برگزار نخواهند شد». از طرف رئیس دانشگاه خواجه‌نصیر نیز در گفتگویی با بیان اینکه نه فرهنگی در دانشگاه‌ها را حراستی و امنیتی کنیم، گفته‌اند توقع دارند وظیفه حراست این است که باید در حوزه مباحث دانشگاه‌ها وارد و آن را ساماندهی کند در حالی که با بگیر و ببند مسائل فرهنگ در دانشگاه‌ها را حل کرد». از نکات قابل توجه خبری، انتشار دهنده آن یعنی خبرگزاری دولتی ایسنا است.

دیدگاه

جایه‌جایی یک نزاع فکری از دانشگاه به عرصه عمومی

پرسش مقابل نیاوران

هرکدام از این جریان‌های فکری حامی شکل خاصی از برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در وجوه مختلف اداره کشور می‌باشند و ضمن موضع‌گیری آگاهانه علیه یکدیگر به مناسبت مسائل روز حامیان خاص خود را شکل داده و بر رفتار آن‌ها تأثیر گذار هستند. ما در این یادداشت قصد داریم به شکل مختصر برخی مواضع و چهره‌های این دو جریان فکری فعال در عرصه عمومی امروز کشور را معرفی نماییم. اما باید توجه داشت که طبیعتاً مانند سایر جریان‌شناسی‌ها نسبت دادن یک اصل به یک جریان به معنی نبود اختلاف جدی میان اعضای آن نیست و همچنین به معنی مشمول بودن این نسبت به همه فعالان این دو موسسه نیست. بلکه به جهت شهرت این دو جریان به این عناوین و تقریب به ذهن بودن آن، انتخاب شده‌اند و لزومی هم برای حضور افراد در این موسسات نیست بلکه مهم رویکرد مشترک است.

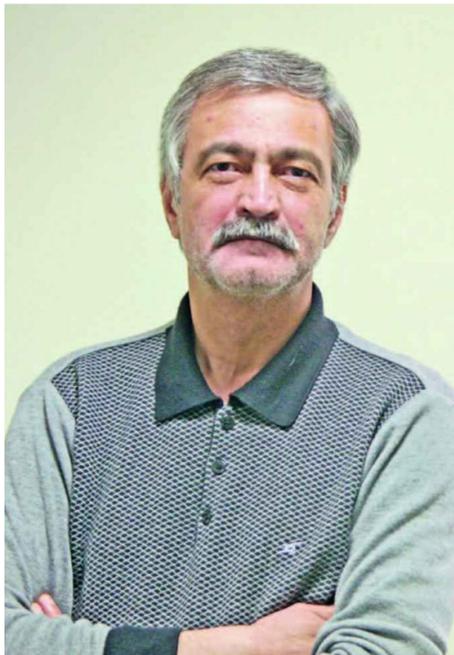
پیگیری تراحم نظریات و رقابت آراء همیشه برای اهالی اندیشه مهم و جذاب بوده است. اما هنگامی که ادامه برخی از همین جنس تقابل‌ها به عرصه عمومی کشیده می‌شود، ما صرفاً شاهد یک نزاع فکری نیستیم بلکه پای رقابت‌های سیاسی و اجتماعی نیز به میان می‌آید. یک نظریه یا رویکرد تا تبدیل شدن به یک جریان اجتماعی و یافتن حامیان و تأثیرگذاری روی رفتار آن‌ها نیازمند طی کردن مراحلی است و تا با استقلال افکار عمومی مواجه نشده است هنوز یک جریان فکری نیست. امروز که دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی اولویت‌زدگی روزمره در جامعه تبدیل شده است، طبیعتاً توجه افکار عمومی جامعه به تقابل‌هایی در همین جهت جلب خواهد شد و شاهد این هستیم که درگیری‌های حزبی و سیاسی برای مردم از اهمیتی کمتر برخوردار است. یکی از این نزاع‌ها که به علل گوناگونی امروز در فضای کشور محل بحث است، نزاع میان حلقه موسسه پرسش و حلقه موسسه نیاوران در عرصه عمومی است.

حلقه نیاوران	حلقه پرسش
 موسی غنی‌نژاد	 مراد فرهادپور
 علینقی مشایخی	 یوسف اباذری
 مسعود نیلی	 فرشاد مومنی
 محمد طبیبیان	 حسین راغفر
 علی میرزاخانی	 ناصر فکوهی
 صادق زیباکلام	 رضا امیدی
 مرتضی مردیپها	 محمد مالجو
 محمود مهرمحمدی	 پرویز صداقت
 عباس آخوندی	 سید مجید حسینی

(نه پلیسی و امنیتی) نمایند و مواضع خود را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و آموزشی در عرصه عمومی ارائه نمایند.

نکته مهم این است که جریان اصیل انقلاب اسلامی با نگاهی پویا و مبتنی بر آرمان‌های متعالی فلسفه اسلامی ضمن نقد این دو جریان، با دو قطبی شکل مقابله فکری

حلقه نیاوران	حلقه پرسش	حوزه/عنوان
بازار آزاد	مسئولیت‌های دولت	اقتصادی
تعامل بین‌المللی	جبهه واحد بین‌المللی در برابر سرمایه‌داری جهانی	سیاست خارجی
خصوصی و مبتنی بر مهارت و کاربرد	رایگان و مبتنی بر فرهیختگی	آموزشی
حمایت از آزادی‌های اجتماعی	حمایت از اصناف و سازماندهی شکل‌ها	اجتماعی
دموکراسی آزاد	دموکراسی اصلاحی	سیاسی



هدف حرفه تراکم دانش ولی هدف بازار تراکم سرمایه است

البته در حرفه کنترل هم‌تایان را داریم، یعنی بنده را هم‌تایان رشته‌ام کنترل می‌کنند، اما در سازمان مدیریت‌گرایی را شاهد هستیم به این معنا که مدیران باید افراد را کنترل کنند و در بازار نیز رقابت‌نیز این کار را انجام می‌دهد. هدف حرفه تراکم دانش است ولی هدف بازار تراکم سرمایه و هدف سازمان نیز تراکم سرمایه‌سازمانی به شمار می‌رود. بحث بنده در این مقاله آن است که هر این ۳ با یکدیگر متفاوت است. البته حرفه به معنی سنتی‌اش نیز دچار تغییر شده و امروز دانشگاه باید به نیازهای جامعه توجه کرده و نسبت به این جامعه حساس بوده و رابطه‌اش را با این بخش بازتعریف کند. آقای احمدی به مراکز رشد در قم اشاره کردند این بدان معنی است که به تدریج تجاری‌سازی به قم هم می‌رسد و دیگر آن زمان دین نیز وظیفه خود را تجاری‌سازی می‌داند و فیلسوف و جامعه‌شناس و انسان‌شناس همگی باید به دنبال تجاری‌سازی بروند، در حالی که معتقدم علوم انسانی لبه دیگری هم دارد که باید جلوی همین تجاری‌سازی را بگیرد؛ چرا که تجارت منطق خود را بر همه چی از علم و دانشگاه و شیوه آموزش و... تحمیل می‌کند و الان همه به دنبال تجاری‌سازی هستند. به‌طور مثال در بین وکلا، پزشکان و مهندسان بحث تجارت مطرح است و در همین راستا می‌بینیم که شیوه شهرسازی ما نیز مبتنی بر تجارت است و حتی آموزش مدرسه‌های نیز به دنبال آن است که از مردم پول گرفته و برای خود تولید منبع درآمدی داشته باشند و الان در برخی مدارس بحث کارآفرینی مطرح می‌شود. یعنی به دانش‌آموز یاد می‌دهند که از علوم تولید ثروت داشته باشند، درحالی که این مسئله کم‌کم باعث رسوخ در ذهن دانش‌آموز می‌شود.

جای تجاری‌سازی در دانشگاه نیست

ما در نهایت به تجاری‌سازی نیاز داریم و این بخشی از نظام ملی نوآوری است و باید این نظام ملی را طراحی کنیم تا بعد از این کار ببینیم که در کدام قسمت باید تجاری‌سازی صورت بگیرد. تصور می‌کنم در وضعیت کنونی جایه‌جایی کارکردها در حال رخ دادن است، چرا که اصلاً جای تجاری‌سازی در دانشگاه نیست، هر چند که به تجاری‌سازی نیاز داریم ولی باید تقسیم‌کاری داشته باشیم، اما چون امروز نظام ملی نوآوری نداریم، می‌خواهیم تمام خواسته‌هایمان توسط دانشگاه‌ها تأمین شود، در حالی که کار دانشگاه تولید و ترویج دانش و توسعه سرمایه انسانی است نه نوآوری و تجاری‌سازی و ما باید بنگاه کارآفرینی و صنایع کارآفرین باید داشته باشیم.

پ «تا» راست»

همان راست درباره کالایی سازی آموزش عالی منتشر می‌کند

کسانی که موضوعات اصلی خود را از سطح جامعه می‌گیرند، بنده به عنوان عضوی از حوزه علوم انسانی یا این موضوع که آیا علوم انسانی از همه ظرفیت‌های خود استفاده می‌کند یا خیر مشکلی ندارم، شاید مسئولین بگویند که از علوم انسانی انتظار بیشتری دارند و نیاز داریم تا این علوم به مباحث توسعه پرداخته و به مسئولین سیاسی مشورت دهد، قطعاً مقوله علم و سیاست‌گذاری و رابطه علم و اقتصاد نیز مورد قبول ما است و حتماً علوم و از جمله علوم انسانی با اقتصاد نسبتی دارند، اما بحث جایی مطرح می‌شود که واژه تجاری‌سازی به میان می‌آید و این نگرانی را پیش می‌آورد که گویی ماهیت علوم انسانی تنها در ارتباط با بازار و پول تأمین می‌شود و از سوی دیگر ما در سیاست‌های علمی کشور نیز دچار عدم انسجام هستیم. دولت جدید در بحث تجاری‌سازی علوم انسانی چندان هم مقصر نیست، البته اگر کلاً بحث قصور در این میان مطرح باشد؛ چرا که تجاری‌سازی بنده قدیمی‌تری دارد و شاید در وهله اول نیز از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده و عدم انسجام نیز به آنجا باز می‌گردد؛ چرا که این شورا یک نهاد فرهنگی است ولی از یک سو خود را نیز متصدی علم می‌داند به همین دلیل این در حوزه ورود داشته و حتی پیام‌های متفاوتی را نیز برای علوم انسانی می‌فرستد، تا جایی که اهالی این علوم نمی‌دانند باید کدام یک از این پیام‌ها را جدی گرفته و بر مبنای آن عمل کنند.

دعوت علوم انسانی به سمت پول و بازار و تجاری‌سازی

از یک سو علوم انسانی به سمت پول و بازار و تجاری‌سازی دعوت می‌شود، از سوی دیگر نیز مسئله اسلامی‌سازی علوم را داریم، به نظر می‌آید که علوم انسانی بین دنیا و آخرت تقسیم می‌شود. یعنی از یک طرف اهالی علوم انسانی دعوت اخروی می‌شوند و از آنجایی که می‌گویند دانشگاه در قبضه سکولار است، به نظر می‌رسد که علوم انسانی در رأس این جریان دارد؛ چرا که این تهمت‌ها به مهندسان و پزشکان نمی‌چسبد و احتمالاً وقتی حرف سکولار به میان می‌آید منظور علوم انسانی است. جریان سکولار علوم انسانی باید با ایده‌های اسلامی و حکمت‌متعالی و تقوا و معنویت و... آشنا شود و کلاس‌هایی نیز در این زمینه برگزار می‌شود، ولی در طرف دیگر حرف از تجاری‌سازی می‌آید و ما در منطق دنیا و آخرت مانده ایم و فکر می‌کنم که علوم انسانی در این میان چند پاره می‌شود؛ چرا که علوم انسانی بنا بر هویت خود قرار نیست دنیاگرا باشد این معنی که کار تجاری کند، باشد؛ همچنین قرار نیست آخرت‌گرا باشد به عنوان هیت - معرفتی؛ چرا که این عرصه روحانیت است. همچنین بنده در مقاله «آموزش عالی در میانه تعارض‌های شغل‌گرایی جدید و حرف‌گرایی مدنی» عنوان کرده‌ام که بحث شغل‌گرایی را پذیرفته اما عنوان شغل‌گرایی جدید است و بحث حرف‌گرایی جدید را پذیرفته است. ما ۳ اصل داریم که اصول سازمان ده است که می‌تواند دانش را سازماندهی کند که یکی حرفه، دیگری سازمان و دیگری نیز بازار است؛ این ۳ اصل برای خودشان ویژگی‌های خاص به خود را دارند. به عبارت دیگر گفت‌مان‌هایی داریم که نشانه‌های مرکزی خاص به خود را دارند. در این مقاله عنوان کردم که آموزش عالی را از یک سو به سمت بازار و شغل‌گرایی می‌برند که این تنزل دادن علوم انسانی به شغل و بازار است و نگرش سنتی هم درباره دانشگاه وجود دارد. دانشگاه از زمان ایجادش بین وکالت، پزشکی و روحانیت پیوند خورده و این نشان می‌دهد که پس زمینه‌های الهیاتی داشته و الان بر همان اساس دنیای حرفه‌ای را ساخته که این دنیا با اخلاقی حرفه‌ای کنترل می‌شود، ولی جایی که بحث سازمان به عنوان اصل سازمان دهنده مطرح می‌شود، در اینجا قوانین بروکراسی تنظیم کننده می‌شود و همچنین جایی که بازار اصل قرار می‌گیرد، اخلاقیات بازار مطرح می‌شود.

سیاسی:

فرضیه کمونیسم

موضوع: سیاست

نویسنده: آن بدیو

مترجم: مراد فرهادپور

ناشر: مرکز

چکیده: وقتی می‌گوییم همه‌آزمون‌های سوسیالیستی در قرن نوزدهم و بیستم به شکست، انجام‌دند دقیقاً چه در ذهن داریم؟ آیا از شکستی کامل سخن می‌گوییم؟ یا عبارت دیگر آیا پس از این شکست لزوماً باید کل مسئله‌رهای را انکار کرد؟ یا شاید صرفاً با شکستی نسبی سروکار داریم؟ کتاب «فرضیه کمونیسم» آن بدیو تلاش می‌کند با مرور سه رخداد کمون پاریس، مه ۱۹۶۸ و انقلاب فرهنگی چین معنای شکست و درس‌های آن را برای مبارزان امروز توضیح دهد.

علم و آموزش عالی:
عنوان: دانشگاه از نردبان تاسابیان
موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی
نویسنده: عباس کاظمی
ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
چکیده: نویسنده درباره عنوان کتاب معتقد است: در گذشته، دانشگاه و به‌طور کلی نظام تربیت، به تعبیر محمود صناعی، نردبان بوده است. به گفته کاظمی در مقدمه، توکلی نیز به خوبی نشان داده است که در دهه ۴۰ این نردبان چگونه به جایه‌جایی موقعیت افراد و تحرک شغلی دامن زده است.



اقتصادسیاسی:

نظام بازار

ترجمه محمدمالجو

عنوان: نظام بازار، لیندبلوم

نویسنده: چارلز اودارد لیندبلوم،

مترجم: محمدمالجو

چکیده: دست کم صدوپنجاه سالی است که بسیاری از جوامع به دام مجادله عبوسانه بر سر نظام بازار افتاده‌اند. اکنون ما از این فرصت برخورداریم که درباره این نظام‌ها با متانت و شفافیت جدیدی بیاندیشیم. ایدئولوگ‌های بازار پی برده‌اند که کمونیسم دیگر اسباب‌واهمه نیست.



نصب تصویر خبرنگار با زده‌اشتی

در دانشگاه تهران

اخیراً تعدادی از افرادی که در تجمع روز جهانی کارگر به دلیل آشوب و آسیب‌رسانی به اموال عمومی دستگیر شدند که یکی از آنها فردی به نام مرضیه امیری است، اوروزنامه‌نگار یک روزنامه اصلاح طلب و سابقه‌یازده‌داشت در ماجراهای دی ماه ۱۳۹۶ را در کارنامه خود دارد، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تحصیل می‌کند. همین مسئله باعث شده طیف جریان رادیکال این دانشکده طی روزهای گذشته به بهانه‌های مختلف تصویر او را بر روی دیوارها این دانشکده نصب کنند. گفته می‌شود او با حکم عبور رهبر انقلاب به تازگی از زندان آزاد شده بود.

ادامه ضرب و شتم دانشجویان در کنار دانشگاه

ماجرای ضرب و شتم دانشجویان و عدم امنیت اطراف دانشگاه صنعتی شریف با هم‌حاشیه‌ساز شد، یکی از رسانه‌های شبکه اجتماعی این دانشگاه روایت جدیدی از ضرب و شتم یک دانشجوی توسط ارازل این محل منتشر کرده است: «حدود ساعت یازده و نیم شب بود در خیابان میمنت با موبایل مشغول صحبت با خانواده بودم. به دلیل سروصدای خیابان آزادی، سر خیابان میمنت توقف کردم تا تماسم با خانواده تمام شود. وارد خیابان آزادی که شدم، بدون اینکه متوجه چیزی بشوم، ضربه‌ای به صورتم خورد و بعد در اثر ضربه به پاها و کتف روی زمین افتادم. چهار نفر که سوار بر دو موتورسیکلت بودند، شروع کردند به زدن من. یکی از آنها به صورت پیوسته با قهقهه به سر من ضربه می‌زد. سرگیجه داشتم، ولی فقط فریاد می‌زدم که «چرا؟» در حین ضربه‌زدن الفاظ رکیکی هم به کار می‌بردند. یک لحظه قهقهه را بادست گرفتم و از ضارب پرسیدم که از من چه می‌خواهد؟ به من گفت گوشی‌ام را بدهد و من هم موبایلم را دادم. دوباره چند ضربه دیگر به من زدند و بعد راهم کردند و رفتند.»

دعوت از وزیر سابق آموزش پرورش به دانشگاه

اخیراً جمعی از دفاتر بسیج دانشگاه فرهنگیان تهران در نامه‌ای به سیدمحمد بطحایی خواستار حضور او در دانشگاه برای پاسخ به عملکرد او شدند. در بخشی از نامه این تشکل‌ها آمده است: «حضرتعالی در مدت وزارت خود تصمیمات بحث برانگیزی از جمله طرح معلم تمام وقت، خصوصی‌سازی، نامه به مقام معظم رهبری در راستای مبارزه با مافیایی کثکوک، نامه به معاون اول رئیس جمهور در جهت استیفا حقوق معلمان و... داشته‌اید که باید دید این اقدامات تا چه اندازه در راستای تحول آموزش و پرورش بوده، و وزارت آموزش و پرورش تا چه حد در انجام مأموریت‌های اصلی خود موفق بوده است. بدین لحاظ بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان تهران از حضرتعالی دعوت به عمل می‌آورد تا با حضور در دانشگاه فرهنگیان تهران دلایل استعفا خود را بیان کرده و در جهت عملکردتان توضیحات لازم را ارائه بفرمایید.»

استقبال دانشجویان از جشن تولد ملکه انگلیس

انتشار خبر برگزاری جشن تولد ملکه انگلیس در تهران با حواشی زیادی همراه شد، به طوری که جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران هفته گذشته مقابل سفارت انگلیس تجمع کردند. از سوی دیگر دبیر دفتر تحکیم وحدت با اشاره به تجمع دانشجویان مقابل سفارت انگلیس گفت: «تجمع دانشجویان مقابل سفارت انگلیس در اعتراض به تولد ملکه ۹۳ ساله این کشور و کشورهای دست‌نشانده بود.» همچنین انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در نامه‌ای به وزیر امور خارجه درباره برگزاری جشن تولد ملکه انگلیس در تهران و با استفاده از پول مردم ایران نوشت: «ملت انقلابی ایران از شما انتظار دارد همان گونه که در کلام و اعلام موضع تغییر رویه داده‌اید و آمریکا و اذنباش را غیر قابل اعتماد و دشمن می‌خوانید، در عمل نیز این تغییر رویه را بر ما ثابت کرده و جلوی برگزاری این مراسم و قاحت بار را بگیرد.»

س دانشجویان دانشگاه...
پیشی بوده...
در این که...
پیان عقیده...
نه هستیم و...
بی به شکل...
سوی دیگر...
باید مباحث...
ست: «برخی...
ث فرهنگی...
ند نمی‌توان...
چه این خط...
ت.

نزدیک شدن آزمون کارشناسی ارشد مرز ۷۰۰ هزار داوطلب

کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۸ هفته گذشته در دو نوبت صبح و عصر و طی دو روز برگزار شد



حاضر در کدرشته های دوم (شناور)

کاهش ملموس تعداد داوطلب نسبت به سال ۹۷

ظرفیت پذیرش در دانشگاه آزاد

ظرفیت پذیرش در دانشگاه های دولتی و غیردولتی

تعداد ثبت نام کنندگان

دانشجویان

مدیر مسئول: محمد ودود حیدری
 سردبیر: محمدرضا حیاتی
 مدیر اجرایی: غلامرضا رفیعی
 مدیر هنری: علی میرزاجعفری
 همکاران این شماره: سجاد باقری، سعید درویشی، زهرا رضانی، امین خلیق، یزدان محمدی
 چاپخانه: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
 آدرس: تهران خیابان انقلاب روبروی درب اصلی دانشگاه تهران ساختمان پارس طبقه پنجم

شماره ۷۶ هفته سوم خرداد ماه ۹۸

راه ارتباطی مادر بله: @daneshjooyannewspaper

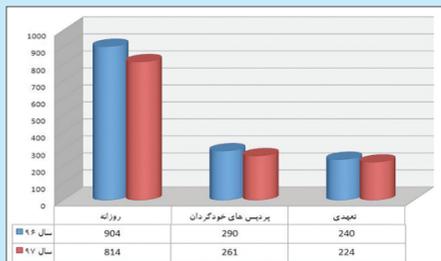
پست الکترونیکی: daneshjooyannewspaper@gmail.com

وضعیت نامشخص حقوق دانشجومعلمانی پس از استعفای آقای وزیر



رسیدگی به مطالبات صنفی فرهنگیان یکی از چالش برانگیزترین معضلات دولت‌ها می‌تواند باشد، موضوعی که در کشور نیز به دلیل اهمیت این قشر در آموزش کشور و کم‌توجهی‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر، به یکی از نکات بحث‌برانگیز تبدیل شده است. یکی از دانشجومعلمانی هادر متنی‌ارسالی به «دانشجویان» از مشکلات تازه خود گفتند: چندی پیش بود که قانون افزایش حقوق کارمندان رسمی از مجلس تقدیم دولت شد اما این قانون به طور کامل برای دانشجومعلمانی اجرا نشده و فعلاً هم جریان مسکوت مانده است. در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ موعودارز مقرر اردیبهشت دانشجومعلمانی به‌وفور مبالغ‌بشدت‌ضدونیضی‌یافت‌می‌شد که هیچ‌توجه‌عقلانی و منطقی برای آنها نمی‌توان یافت. ماجرا از این قرار بود که مقرر فروردین ماه همراه با ۴۰۰ هزار تومان افزایش حقوق طبق قانون افزایش حقوق واریز شد اما در اواخر اردیبهشت دولت طرح افزایش ۴۰۰ هزار تومانی برای دانشجومعلمانی و دانشجویان ماده ۲۸ رد کرد و ادعا کرد که جبرانی ۴۰۰ تومان ماه گذشته را از این ماه برمی‌دارد. با این وجود باز هم دلیلی برای توجه مبالغه‌آمیز قبیل ۲ میلیون تومان، ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، ۱ میلیون ششصد هزار تومان و که به حساب عده کمی از دانشجومعلمانی واریز شده بود و مبالغی مانند ۱ ریال، ۵۰۰ تومان، ۱۸۰۰ تومان، ۴۵۰۰ تومان، ۱۲ هزار تومان و ۴۸ هزار تومان که برای اکثر دانشجومعلمانی واریز شده بود با این وجود این میان مبالغی مانند ۲۰۰ هزار تومان و ۴۰۰ هزار تومان هم دیده می‌شد که به هیچ وجه نظام واریز حقوق اردیبهشت را توجیه نمی‌کرد. در سوم خرداد حمیدرضا حاجی بابایی نماینده مجلس اعلام کرد که دانشجومعلمانی مشمول حداقل افزایش حقوق خواهند شد و مبلغ حداقل ۱۵،۶۸۰،۰۰۰ ریال خواهد بود که توسط سازمان امور اداری و استخدامی به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شده است. پس از این خبر احکام دانشجومعلمانی در سال جدید که با مبلغ ۸۵۰ هزار تومان صادر شده بود در برخی مناطق به ۱،۵۳۶،۰۰۰ تومان و در اکثر مناطق به ۱،۱۵۸،۰۰۰ تومان تغییر کرد با این وجود باز هم دولت مخالفت با طرح حداقل حقوق دانشجومعلمانی بود. پس از مدتی در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۹۸ در ساعات پایانی شب، وزیر پیشین آموزش و پرورش بطحایی در توییتری که در حساب کاربری خود واستوری‌ای که در حساب

شکست انحصار بازار پزشکی و دندانپزشکی با افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو؟



هر ساله سهم زیادی از داوطلبان کنکور سراسری را داوطلبان رشته‌های علوم تجربی تشکیل می‌دهند، مسئله‌ای که در دو سال گذشته نیز این سهم تا ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان رسیده است؛ در این باره تحلیل‌های زیادی درباره چرایی علاقه خانواده‌ها نسبت به رشته‌های علوم تجربی که البته رشته‌های پزشکی مدنظر است، مطرح شده است، عده‌ای وضعیت تضمینی اشتغال این گروه و عده‌ای دیگر نبود بازار کار دیگر گروه‌ها فنی مهندسی و علوم پایه را به وجود آمدن این فضا مطرح می‌کنند. عده‌ای این ظرفیت‌ها را کم می‌دانند و عده‌ای دیگر ظرفیت موجود را مناسب فضای سلامت کشور مطرح می‌کنند، اما یک تحقیق دانشجویی نشان می‌دهد که وضعیت سرانه پزشکی در ایران نسبت به دیگر کشورهای حال و روز مناسبی ندارد؛ بر اساس داده‌های موجود، سرانه پزشک در ایران ۱۱ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر است. اما این شاخص در برخی از کشورهای معمولاً تا ۳ پزشک است. حتی این سرانه در مقایسه با کشورهای منطقه نیز مناسب نیست، به طوری که از بین ۲۵ کشور آسیای میانه و غرب آسیا، ایران در جایگاه بیستم از نظر سرانه پزشک و پایین‌تر از کشورهایی همچون سوریه، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و حتی فلسطین قرار دارد. به‌رغم سرانه بسیار پایین پزشک در ایران در مقایسه با کشورهایی همچون استرالیا، فرانسه، آلمان و انگلستان هم اکنون سرانه پذیرش دانشجوی پزشکی در ایران هم در مقایسه با این کشورها پایین‌تر است. جالب آنکه پذیرش رشته پزشکی طی سال‌های گذشته کاهش داشته است، به این آمار می‌توان دقت کرد:

۱- ظرفیت رشته داروسازی در دانشگاه‌های روزانه از ۶۹۰ نفر در سال ۹۶ به ۶۱۲ نفر در سال ۹۷ کاهش یافته است. ظرفیت داروسازی تحصیلی از ۱۴۶ نفر در سال ۹۶ به ۱۲۰ نفر در سال ۹۷ کاهش یافته است. در مجموع ظرفیت رشته داروسازی از ۱۱۶۳ در سال ۹۶ به ۱۰۸۸ نفر در سال ۹۷ کاهش یافته است. ۲- ظرفیت رشته دندانپزشکی در دانشگاه‌های روزانه از ۹۰۴ نفر در سال ۹۶ به ۸۱۴ نفر در سال ۹۷ کاهش یافته است. همچنین ظرفیت رشته دندانپزشکی در پردیس‌های خودگردان از ۲۹۰ نفر در سال ۹۶ به ۲۶۱ نفر در سال ۹۷ کاهش یافته و ظرفیت دندانپزشکی

۴ حکم دیوان عدالت اداری که حق دانشجویان را گرفت!

اداری با ابطال بخشی از یک مصوبه هیأت امنای دانشگاه تهران، با کاهش شهریه این دانشگاه برای همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و کارکنان آن مخالفت کرد. در شکایت سازمان بازرسی کل کشور در این مورد آمده است: «هیأت امنای دانشگاه تهران به استناد بند «ب» ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، شهریه همسران و فرزندان اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی را به میزان ۸۰ درصد شهریه مصوب تعیین کرده است که این امر تبعیض ناروا است.

۴- لغو ممنوعیت ثبت نام دیوار قبول شده‌ها در کنکور: آبان ماه سال گذشته بود هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بند «ج» دفترچه شماره (۱) راهنمای ثبت نام و شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۹۶ دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی سازمان سنجش آموزش کشور را غیر قانونی دانست و آن را ابطال کرد. در بخشی از این حکم آمده است: به صراحت الفاظ سطر اول مصوبه مورخ ۶/۱۲/۱۳۹۲ «ستاد انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی فعلی) ممنوعیت شرکت داوطلبانی که دیوار سابقه قبولی در آزمون را دارند برای شرکت مجدد در آزمون، محدود به داوطلبان سراسری سال ۱۳۶۳-۱۳۶۴ بوده و نهایتاً به شرح ذیل بند ۴ به سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ نیز تفسیر داده شده است. نظریه اینکه با این اوصاف و قید زمانی موضوع، مصوبه در سال‌های تحصیلی بعد حاکمیت و نظارت نداشته است، بنا بر این بند (ج) دفترچه آزمون سال تحصیلی ۱۳۹۶ از این جهت که متضمن محدودیت در حق به تحصیل می‌باشد و نیز به حکم قانونگذار دارد خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص می‌شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۴ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

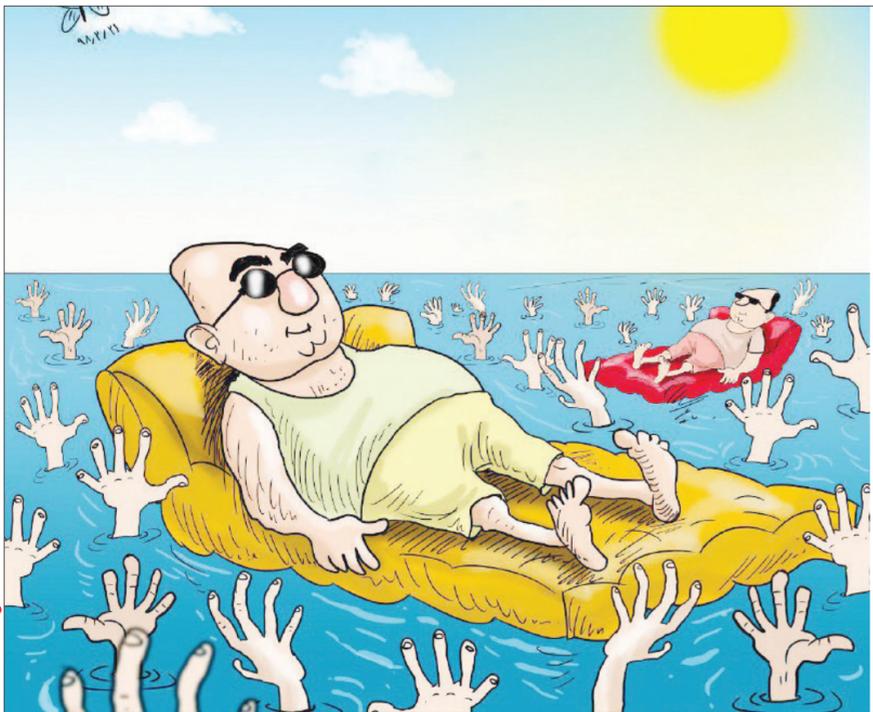
رایگان می‌باشند و این حکم مطلق بیان شده و دلیلی به انصراف آن از دروس جبرانی ملاحظه نمی‌شود، از طرفی طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ و نیز ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت موسوم به الحاق ۲ دریافت هرگونه وجهی توسط دستگاه‌های اجرایی نیاز به حکم یا اذن قانونگذار دارد،

بنابراین تبصره ۱ ماده ۹ آیین نامه مورد شکایت که متضمن جواز اخذ شهریه از دروس جبرانی در مرحله کارشناسی ارشد ناپوسته است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. ۳- جلوگیری از یک رانت شهری به‌ای: همچنین در دیگر حکم، هیأت عمومی دیوان عدالت

در هیأت عمومی دیوان (خارج از نوبت) مطرح و نسبت به ابطال آن از زمان تصویب (موضوع ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) تصمیم‌لایم گرفته و این تبصره حذف شد.

۲- شهریه دروس جبرانی غیرقانونی است: یکی دیگر از چالش برانگیزترین موضوعات چندسال اخیر دانشگاه‌ها مسئله شهریه جبرانی غیرقانونی بود، مسئله‌ای که دیوان عدالت اداری در روزهای پایانی اردیبهشت ماه دریافت آن را توسط دانشگاه‌ها غیرقانونی عنوان کرد؛ طبق این رأی که ۱۰ اردیبهشت ماه صادر شده است اخذ شهریه برای دروس جبرانی از دانشجویان کارشناسی ارشد غیرقانونی است. رأی هیأت عمومی به شرح زیر است: با عنایت به اینکه مطابق بندهای (ح)، (ط) و (ی) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مقرر شده تحصیل دانشجویان روزانه در دانشگاه‌های دولتی

یکی از مراجع قضایی که عادلانه‌ترین تصمیمات را اتخاذ می‌کند، دیوان عدالت اداری است. اسم این مرجع اشاره‌ای دارد به این نکته که ممکن است حقوق مردم توسط نهادهای دولتی و عمومی به هر دلیلی رعایت نشود و بنابراین مرجعی برای رسیدگی به این موارد در نظر گرفته شده است. در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی آمده است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تنظیمات و اعتراضات مردم نسبت به امورین یا واحدهای آیین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.» یکی از عملکردهای قابل توجه این سازمان در حوزه مسائل دانشجویی بوده است که در جاهایی باعث شده است که حق دانشجویان پایمان نشود. این سازمان در طی مدت اخیر تصمیم‌هایی قابل توجهی در حوزه اختلافات دانشگاهی گرفته است. ۱- دیگر شهریه مهمانی ندهید: همین چند روز پیش بود که دیوان عدالت اداری، آیین نامه مهمانی و انتقال دانشجویان که مصوب سال ۸۹ است، مورد بررسی قرار داد. در ماده ۶ این آیین نامه تصریح شده است: «انتخاب واحدهای درس دانشجویان مهمان چیه صورت تک درس و چه به صورت نیم سال تحصیلی کامل باید با تأیید دانشگاه مبدأ و طبق شرایط دانشگاه مقصد باشد و دانشجویان دوره روزانه دانشگاه‌ها در دوران مهمانی ملزم به پرداخت شهریه مطابق تعرفه دانشجویی نوبت دوم هستند. این در حالی است که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را در مورد مشابه لغو کرده است. براین اساس اعلام شد که تبصره یک ماده ۹ آیین نامه مهمانی و انتقال دانشجویان مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و به همین دلیل



نسبت مردم دارای مشکل اقتصادی با سرمایه داران



فعالیت قرارگاه جهادی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی (ره) در جاز موریان کرمان